

Successes and failures of the Islamic Republic of Iran in achieving political goals according to the vision document of 1404

Ashkan Saberi-Nik ¹

Mojtaba Shariati ²

Abstract

After the Islamic revolution, countless development programs and documents were prepared to achieve political goals. Knowing the successes and failures of these documents, such as the 1404 vision document, can help in achieving political goals. This research investigated the successes and failures of the Islamic Republic of Iran in achieving political goals according to the vision document of 1404. By using the qualitative approach and the descriptive-analytical method and using the combination of development approaches, it was determined that in the field of revitalization of Islamic teachings and religious democracy; comprehensive security and deterrence; the role of enlightenment and justice; The legitimacy and efficiency of the political system; The role of preserving independence and authority and emphasizing the principle of dignity as the most important political components of the vision document, successes and failures have been achieved. In this regard, ensuring domestic investment; Reducing the role of the government in all aspects of the country's politics; Emphasis on religious democracy and keeping people in the scene; smoothing social justice; criticizing and demanding, stating problems and solving gaps by providing solutions; And the institutionalization of long-term policy discourse can be the most important solutions to realize the political goals of the vision document.

Key Word: successes, failures, political goals, vision document 1404.

¹ MA in Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Yasuj University, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, Iran . ashkansaberi74@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Yasuj University, Faculty of Literature and Humanities, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, Iran.
m.shariati17@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 22, Winter 2023

ppt 17-47

دانش تفسیر سیاسی

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۴۷-۱۷

کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف سیاسی با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

اشکان صابری نیک^۱

مجتبی شریعی^۲

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی، برنامه‌های توسعه و اسناد بی‌شماری در جهت دستیابی به اهداف سیاسی تنظیم گردید. شناخت کامیابی‌ها و ناکامی‌های این اسناد همچون سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌تواند در دستیابی به اهداف سیاسی کمک‌کننده باشد. این پژوهش به بررسی کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف سیاسی با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ پرداخت. با استفاده از رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ترکیب رهیافت‌های توسعه مشخص شد که در زمینه احیاءکنندگی آموزه‌های اسلامی و مردم‌سالاری دینی؛ امنیت و بازدارندگی همه‌جانبه؛ نقش روشنگری و عدالت؛ مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی؛ نقش حفظ استقلال و اقتدار و تأکید بر اصل عزت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاسی سند چشم‌انداز، کامیابی‌ها و ناکامی‌هایی حاصل شده است. در این راستا، اطمینان به سرمایه‌گذاری داخلی؛ کاستن از نقش دولت در تمامی جنبه‌های سیاست کشور؛ تأکید بر مردم‌سالاری دینی و حفظ مردم در صحنه؛ هموار نمودن عدالت اجتماعی؛ نقد و مطالبه‌گری، بیان مشکلات و رفع خلأها با ارائه راهکار؛ و نهادینه شدن گفتمان سیاست‌های بلندمدت می‌توانند مهم‌ترین راه کارها برای تحقق اهداف سیاسی سند چشم‌انداز باشند.

^۱ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج استان کهگیلویه و بویراحمد، ایران.

ashkansaberi74@gmail.com

(نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، استان کهگیلویه و بویراحمد، ایران

واژگان کلیدی: کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، اهداف سیاسی، سند چشم‌انداز، ۱۴۰۴

۱. مقدمه

در ایران از انقلاب مشروطه تاکنون، تلاش‌های بسیاری برای توسعه و برنامه‌ریزی برای آن صورت گرفته و فرازوفرودهایی رخ داده است. اگر صدسال اخیر را دوره معاصر ایران بدانیم، شروع برنامه‌ریزی به مفهوم امروزی آن از سال ۱۳۲۶ بوده که چندین برنامه توسعه در نظر گرفته شدند. هرچند این برنامه‌ها از محتوای نسبتاً قابل قبولی برخوردار بودند، در مرحله اجرا با ناکامی‌های متعددی روبه‌رو گشتند. چراکه کانون اصلی برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، حکومت بوده است (هوشمند، ۱۳۹۸: ۳). با وقوع انقلاب اسلامی، کشور وارد مرحله نوینی شد. در آغاز به نظر می‌رسید از نظر تأکیدی که به نقش دولت در پیشبرد اهداف توسعه در زمان قبل از انقلاب می‌شد، تحولی اساسی صورت گیرد، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و باوجوداینکه یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، احیاء نگرش خاص به مردم با برداشتی اصیل از اسلام بود، به دلایل متعددی این امر محقق نشد. هرچند که برگرفته از جهان‌بینی و نظام ارزشی آن (آموزه‌های اسلامی)، حق تعیین سرنوشت برای آحاد ملت ایران به رسمیت شناخته شد (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۲۶)، و در طول سال‌های بعد، برنامه‌های توسعه و اسناد بی‌شماری جهت دستیابی به اهداف سیاسی تنظیم شد. هر یک از این اسناد، کامیابی‌ها و ناکامی‌هایی در تحقق اهداف سیاسی داشته‌اند، که ازجمله می‌توان به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، برنامه‌های توسعه، سیاست‌های کلی نظام در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی، بیانات رهبران و قانون اساسی اشاره نمود. از دلایل اصلی ناکامی‌ها، اجرای نامناسب سیاست‌های سیاسی و اقتصادی توسط دولت‌های حاکم است (آذرشب، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۶). در این پژوهش، تأکید اصلی بر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و شاخص‌های مطرح در آن است. چراکه این سند بعد از قانون اساسی، یکی از مهم‌ترین سند‌های راهبردی کشور در تحقق اهداف سیاسی است.

در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، بر جامعه توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی به اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی تأکید شده است. با این حال، برنامه مذکور نتوانسته به حداقل‌های اهداف اعلام‌شده و توسعه پایدار دست یابد. بنابراین، اهداف سیاسی در ایران بعد از انقلاب به‌مانند قبل از آن، مسیر همواری طی ننموده و فرایند توسعه و دستیابی به اهداف سیاسی همواره با اشکالات و موانعی مواجه بوده است. درحالی‌که ایران پیشینه‌ای نسبتاً طولانی در برنامه‌ریزی برای توسعه و پیشرفت دارد. باوجودآنکه بیش از نیمی از افق بیست‌ساله سند چشم‌انداز سپری‌شده، اما دغدغه‌ها نه‌تنها در زمینه توسعه فروکش نکرده، بلکه بر روند نگرانی‌ها افزوده‌شده است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، و بهره‌گیری از روش توصیفی به واکاوی پدیده مردم‌مطالعه اقدام شده و با رویکرد کیفی، اطلاعات مرتبط با پژوهش، تجزیه و تحلیل شدند. در این راستا، سؤال پژوهش این است که کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کدام‌اند؟ هدف، ایجاد بینشی در جهت اجرای مؤثرتر سیاست‌ها در جهت کامیابی به اهداف سیاسی است.

۲. مفاهیم و پیشینه پژوهش

۲-۱. مفهوم توسعه سیاسی

از زمان گسترش مطالعات توسعه سیاسی (دهه ۱۹۶۰ تاکنون)، اندیشمندان برای ارائه معنای واحدی از توسعه سیاسی، به اتفاق نظر نرسیده‌اند. به‌مرور محققان علوم سیاسی دریافتند که رشد اقتصادی به‌تنهایی برای تحقق توسعه سیاسی کافی نیست، بنابراین شاخص روانی را نیز مورد توجه قرار دادند و مدعی شدند چنان‌که بتوان کشورهای جهان سوم را از لحاظ روانی به‌مثابه جوامع پیشرفته صنعتی، مدرن کرد و کمک اقتصادی نمود،

توسعه سیاسی مطلوب به دست خواهد آمد (عیوضی و منصورزاده، ۱۳۹۰: ۶۷). بعدها توسعه سیاسی در چارچوب نظریه وابستگی مورد کنکاش قرار گرفت. به عبارت دیگر، دانشمندان و محققان حوزه علوم سیاسی بر این عقیده شدند که برخی عوامل بیرونی نظیر استعمار و امپریالیسم مانع توسعه سیاسی در کشورهای جهان سوم است (ساعی، ۱۳۸۸: ۳۵).

در تعریف توسعه سیاسی، رابرت دال، دیوید اپتر و آیزنشتات^۱، شاخصه‌های مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی را معیار توسعه سیاسی دانسته‌اند (بشیریه، ۱۳۹۵ الف: ۱۱). دانیل لرنر و لوسین پای^۲ مشارکت در انتخابات را به عنوان شاخص مشارکت سیاسی معرفی کرده‌اند (بدیع، ۱۳۷۵: ۴ و ۷۹). در تعریفی دیگر، اعتقاد بر این است که وجه مشخص توسعه سیاسی، در توان ذاتی یک نظام جهت پاسخگویی به تقاضاها و درخواست‌های برآمده از آن است (موثقی، ۱۳۹۱: ۱۵۵). هر چند این مفهوم در عرصه سیاست، جایگاه پراهمیتی دارد. با این حال، «هنوز ابهام و عدم صراحت زیادی در مورد این دانش‌واژه وجود دارد» (عالم، ۱۳۹۵: ۱۲۳). مفهوم توسعه سیاسی برای نخبگان فکری کشورهای جهان سوم از اولویت و اهمیت مضاعفی برخوردار است، چراکه در این گونه کشورها، فرایند توسعه و توسعه‌نیافتگی، چالش اصلی جامعه است (میسائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۷). اصطلاح توسعه کمک زیادی به درک چگونگی رشد مردم، کشورها و دستیابی به اهداف سیاسی می‌کند.

۲-۲. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و مؤلفه‌های سیاسی آن

چشم‌انداز عبارت از آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلندمدت است، که متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌گردد. سند چشم‌انداز هر کشوری، مهم‌ترین سند توسعه آن می‌باشد و لزوم تطبیق و هماهنگ‌سازی برنامه‌های اجرایی و

^۱ Robert Dahl, David Opter & Eisenstadt

^۲ Daniel Lerner & Lucien Pie

اسناد توسعه میان مدت کشوری با سند چشم انداز اهمیت فوق العاده آن را می‌رساند. در منابع مدیریتی این مفهوم با عبارتی مانند دورنما، آرمان، رویای سازمانی آمده است (شفیعی و صبوری، ۱۳۸۷: ۱۷۵). در ایران پس از انقلاب اسلامی، همواره نبود چشم اندازها و برنامه‌های بلندمدت احساس می‌شده است. بنا بر این ضرورت، سند چشم انداز تدوین و سال ۱۳۸۲ به عنوان برنامه بیست ساله کشور ابلاغ شد، و به عنوان ششمین برنامه چشم انداز یک کشور آسیایی و اولین نگاه درازمدت ۲۰ ساله در تاریخ هفت هزار ساله ایران، با کارشناسی دقیق و موشکافانه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شد. ایران ۱۴۰۴ شمسی از لحاظ اقتصادی، علمی و فناوری در بین همه کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه جایگاه اول و نخست را کسب خواهد کرد. از دیدگاه طراحان چشم انداز بیست ساله، چشم انداز تصویری از ایرانی آرمانی است.

در سند چشم انداز تأکید شده که برنامه‌های پنج ساله چهارم تا هفتم و همچنین بودجه بندی‌های سنواتی باید منطبق با این چشم انداز و اهداف طراحی شده در آن باشد. جامع نگری یکی از ویژگی‌های اساسی این سند می‌باشد و مؤلفه‌های گوناگونی دارد. به دلیل همین جامع نگری، مؤلفه‌های سیاسی و توسعه سیاسی جایگاه خاصی در این سند دارد. هرچند توسعه سیاسی سازه پیچیده‌ای است و برای تحقق آن نمی‌توان نسخه واحد و یکسانی را برای همه جوامع تجویز کرد، اما با توجه به مفهوم کلی آن، بررسی جایگاه و اثربخشی آن در برنامه‌های پنج ساله مطابق با سند چشم انداز و برنامه توسعه امکان پذیر است (ربیع زاده و خواجه سروی، ۱۳۹۹: ۱۲). اکثر این مؤلفه‌ها نشان دهنده نوع ارتباط دولت و جامعه و تأمین خواسته‌های جامعه در حوزه سیاسی است. مؤلفه‌های سیاسی چشم انداز را می‌توان شامل توسعه یافتگی دانست که می‌تواند منجر به کسب جایگاه اول در بین کشورهای منطقه، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، امنیت اجتماعی و قضایی، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، کارآمدی، برخوردار از امنیت، استقلال، اقتدار و سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه، با شهروندانی

پیوسته به حکومت، فعال، مسئولیت‌پذیر، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، با روحیه تعادل و سازگاری اجتماعی و دارای وجدان کاری و انضباط و مفتخر به ایرانی بودن دانست.

جدول ۱: مؤلفه‌های سیاسی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

تأکید بر مردم‌سالاری دینی و آزادی‌های مشروع
عدالت اجتماعی (حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها)
امنیت (سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه)
کارآمدی و کارایی نظام سیاسی
استقلال و اقتدار (اصول مبنایی عزت، حکمت و مصلحت)

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۲. پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش و جستجو در پژوهش‌های انجام‌شده، در ادامه مهم‌ترین اسناد مرتبط با پژوهش اشاره‌شده و نوآوری پژوهش بیان شده است:

جدول ۲: تحقیقات انجام‌شده مرتبط

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
جعفری و جواد قربی	۱۳۹۵	مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	در این پژوهش، سعی شد به تبیین عناصر سازنده منابع سیاسی قدرت نرم ایران در افق سند چشم‌انداز پرداخته شود. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم، شامل فرهنگ راهبردی پایداری، برخورداری از امنیت، سازگاری ملی، سرمایه‌های اجتماعی و نظایر آن است. در این پژوهش، مؤلفه امنیت به‌صورت کلی با توجه به سند چشم‌انداز بررسی شده،

در حالی این مؤلفه به عنوان یکی از اهداف سیاسی سند چشم انداز در کنار سایر مؤلفه ها در جهت تحقق و عدم تحقق آن مورد توجه قرار گرفت و راهکارهایی ارائه شد.			
نتایج نشان داد تقویت پیش ران هایی که موجب ارتقای توسعه سیاسی شده اند، می توانند به روند دستیابی به توسعه سیاسی در آینده سرعت دهند و زمینه تحقق آرمان های مهم (آزادی، عدالت و استقلال) را فراهم سازند.	شناسایی و تحلیل پیش ران های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ سناریویی مطلوب برای آینده	۱۳۹۷	اخوان کاظمی و نیکونهاد
نتایج نشان داد توسعه سیاسی در سه برنامه توسعه ج.ا.ا. مورد توجه بوده است. ولی میزان این توجه در هر یک از برنامه های سه گانه متفاوت است. این پژوهش نیز صرفا جایگاه توسعه سیاسی را مورد بحث قرار داده و کامیابی ها و ناکامی ها در این زمینه را با رویکرد ترکیبی مورد توجه توجه پژوهش حاضر است.	جایگاه توسعه سیاسی در برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹۸	میسایی و همکاران
در این پژوهش، نشان داده شد که رویکرد توسعه سیاسی در برنامه های پنج ساله توسعه چهارم، پنجم و ششم با فراز و فرود و از شدید به ضعیف لحاظ شده، و از اثربخشی مطلوب	اثربخشی توسعه سیاسی در برنامه های پنج ساله توسعه مطابق با رویکرد سند	۱۳۹۹	ربیع زاده و خواجه سروی

		چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ ایران	برخوردار نبوده است. این پژوهش برنامه‌های توسعه را که در جهت سند چشم‌انداز تدوین می‌شوند، مورد بررسی قرار داده و به صورت کلی، از فراز و فرودهای آن بحث کرده است. در حالی که در پژوهش حاضر با رویکردی ترکیبی از اهداف سیاسی در برنامه‌های توسعه‌ای، کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف سیاسی سند چشم‌انداز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
عرفانی و همکاران	۱۴۰۱	الزامات تامین امنیت در افق سند چشم انداز ۱۴۰۴	در این پژوهش، با استفاده از فنون تحقیق کیفی مانند گراندد تئوری و مطالعه عمیق با نخبگان امنیتی، نشان داده شد که امنیت از درون به بیرون بوده و ایران را به جامعه‌ای امن، مستقل و مقتدر رهنمون کرده است. در این پژوهش، صرفاً مسئله امنیت و آن هم از جنبه الزامی مورد توجه قرار گرفته، در حالی که در پژوهش حاضر، این مسئله در کنار سایر مولفه‌ها، از منظر کامیابی و ناکامی در قالب سند چشم‌انداز بحث شده است.

علاوه بر پژوهش‌های انجام‌شده که ذکر آن‌ها رفت، به دیگر پژوهش‌ها همچون مصلی نژاد و محمدزاده (۱۳۹۵) با عنوان «برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)؛ زمینه‌ها، اهداف، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها»؛ ایزدی و حیدرپور (۱۳۹۴) با عنوان «برنامه‌های پنج‌گانه توسعه در دوران پهلوی و انقلاب اسلامی ایران»؛ واعظی (۱۳۹۳) با عنوان «کامیابی‌ها و ناکامی‌های توسعه در ایران: نقش دولت‌های پنجم تا یازدهم در توسعه سیاسی؛ اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی»؛ امامی (۱۳۹۲) با عنوان «بایسته‌های عدالت اجتماعی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» و غیره می‌توان اشاره نمود. هر یک از این پژوهش‌ها به بررسی توسعه سیاسی از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. آنچه دارای نوآوری است و در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار گرفت، بررسی کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی در قالب سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از منظر اهداف سیاسی و ارائه راه‌کارهای عملی در این زمینه است. ضمن این که هیچ‌یک از نوشته‌ها و مطالعات با رویکرد پژوهش حاضر همسویی و همپوشانی کامل ندارد. آنچه از آثار نوشته‌شده در این باب می‌توان استنباط نمود این است که بیشتر پژوهش‌ها، نوعی نقل بدون تحلیل وقایع و حوادث می‌باشند و به‌صورت نقادانه و کاربردی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را بررسی ننموده‌اند.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

توسعه سیاسی از پیدایش تا امروز از مناظر گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته و در هر دوره، محققان، الگوهای خاصی را برای تحقق آن برشمردند. عده‌ای از اندیشمندان، ازجمله ساموئل هانتینگتون و نلسون، شرط اصلی تحقق توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی دانسته‌اند (معینی پور، ۱۳۸۸: ۳). هر یک از نظریات موجود، بخشی از اهداف و مؤلفه‌های سیاسی را در نظر می‌گیرند، ولی دیدگاه‌های موجود در این خصوص کامل نیست و همه جنبه‌های توسعه سیاسی و موانع آن را در برنمی‌گیرند. ازاین‌رو، در این

پژوهش از ترکیب و تلفیقی رهیافت‌های توسعه برای درک کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بهره برده شد.

کشف علت‌ها و عوامل عقب‌ماندگی‌ها و دستیابی به روش‌های جبران آن و نیل به توسعه کشور توسط محققان مختلف بررسی شده و نظریه‌های مختلفی توسط پژوهشگران و اندیشمندان ارائه شده است. برخی نبود مکتب فکری منسجم توسعه و عدم نهادینه شدن آن (عظیمی، ۱۳۷۸) و برخی، ماهیت شخصیت نخبگان سیاسی ایران و خمیرمایه فرهنگ ایرانی (سریع‌القلم، ۱۳۸۲) را عامل اصلی تأخیر توسعه قلمداد کرده‌اند. ضمن این‌که فرهنگ و نظام شخصیتی ایرانیان (سریع‌القلم، ۱۳۸۶؛ آل یاسین، ۱۳۹۲)، ساخت سرمایه دارانه اقتصاد ایران (رئیس دانا، ۱۳۸۱)، غلبه ایدئولوژی چپ (غنی نژاد، ۱۳۹۵)، ایدئولوژی بازار در میان برنامه ریزان و نخبگان (مومنی، ۱۳۹۴) و ناکامی نهادهای موجود (ربیعی، ۱۳۹۹) از جمله موانع کشور طرح شده است. باوجود تأکید بر اهداف سیاسی در برنامه‌ها و اسناد بالادستی و دستیابی به کامیابی‌ها، همچنان چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد. برای فهم کامیابی‌ها و ناکامی‌های توسعه در ایران و علل کارآمدی یا ناکارآمدی‌اش می‌توان از دستگاه‌های نظری مختلف بهره برد. ازجمله می‌توان از دستگاه نظری لفت ویچ (۱۹۹۵) با عنوان ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا، قابلیت‌های نظریه داگلاس نورث و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان تعامل دولت و جامعه و نیلی (۱۳۸۷) با عنوان دولت رانتیر بهره برد. ترکیب این نظریات می‌تواند به تبیین مسئله پژوهش کمک کند. در این چارچوب، می‌توان چنین تبیین نمود که با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، باوجود تفاوت در دوره‌های مورد بررسی، دولت قوی و توسعه‌گرا به‌سوی تغییر و دگرگونی شکل نگرفته است. بااین‌حال، اهداف سیاسی ارائه شده در سند چشم‌انداز در بسیاری از مؤلفه‌ها تحقق یافته است.

۴. مردم‌سالاری دینی و آزادی‌های مشروع

یکی از مباحث مهم امروز در نظام‌های اجتماعی و سیاسی توجه به مردم و حاکمیت آن‌هاست. مبارزه بر سر حاکمیت ملی، مدت‌ها پیش در غرب به پیروزی رسیده است. وجود قوانین اساسی در دموکراسی‌ها خود مهم‌ترین مظهر حاکمیت مردم است (بشیریه، ۱۳۹۵ ب: ۲۶۹-۲۷۰). مؤلفه‌ای که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ و در عرصه سیاسی قابل مشاهده است. جمهوری اسلامی که الهام‌بخش سایر جوامع بوده و ملت‌ها و کشورهای دیگر از آن الگوبرداری می‌نمایند، یک دولت یا حکومت اسلامی است. دولتی که ماهیت اسلامی داشته و ایدئولوژی آن، اسلام شیعی است (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). تحقق و استقرار مردم‌سالاری دینی بر طبق اهداف سیاسی مورد تأکید در چشم‌انداز ۱۴۰۴، برای شهروندان جامعه اسلامی به‌عنوان یک حق و یک تکلیف برای مردم در نظر گرفته شده است. ترویج فرهنگ و الگوی مردم‌سالاری دینی موجب توسعه فرهنگ تعامل دار مبتنی بر اهتمام دولت‌ها به خواسته مردم برای ایجاد جامعه بشری متناسب با فطرت انسانی شده است (بابایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۷). با توجه به نقش محوری مردم در تئوری و عمل انقلاب اسلامی، می‌توان مردم‌باوری و مردم محوری به معنی بسیط آن را ازجمله مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی به حساب آورد که در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ به‌عنوان الگویی موفق بدان به‌عنوان یکی از اهداف سیاسی تأکید شده است.

غایت انقلاب اسلامی، تقویت پایه‌های مشارکت دینی مردم در چارچوب بیعت عمومی و نهادینه کردن این رکن مردم‌سالاری دینی است. اما باوجود کامیابی‌هایی که حاصل شده، ناکامی‌هایی ناشی از وجود برخی چالش‌ها و مشکلات قابل مشاهده است (دارابی، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۲). یکی از بنیادی‌ترین اصولی که مردم‌سالاری دینی بر آن استوار است، کسب رضایت مردم است و برای این کار، نظام باید بتواند خالصانه به پیگیری امور مردم بپردازد. چراکه در نتیجه ارتباط دقیق و حقیقی میان مردم‌سالاری و دین، راه توسعه سیاسی فراهم می‌گردد (کتابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۴). چالش دیگر، مقابله بانفوذ سایر کشورها همچون آمریکا و اسرائیل برای ارائه چارچوب مدنظر خود است که در چارچوب سند

چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ مورد تأکید است. از این رو، باید دستورالعمل‌هایی اتخاذ گردد تا جامعه‌ای آرمانی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی شکل داده شود.

۵. عدالت اجتماعی (حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها)

عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط مکتب سیاسی امام خمینی (ره) است. در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا، باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، هدف باشد. مهم‌ترین ارزشی که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت اسلامی واجد، حافظ و مروج آن است، عدالت است. اهمیت این ارزش و اصل به‌اندازه‌ای است که شاخصی برای سیاست خارجی دانسته شده است. عدالت در چشم‌انداز بیست‌ساله، ویژگی توسعه‌ای است که به‌گونه‌ای متوازن به حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌پردازد و شهروندان را به لحاظ منطقه‌ای، هویتی، نسلی، درآمدی و محیط‌زیست تعادل می‌بخشد. به بیان دیگر، عدالت در وهله اول در نسبت با توسعه معنا می‌یابد و مقصود از توسعه نیز تعادل بخشی به جنبه‌های گوناگون زندگی جامعه ایرانی و رشد متوازن آن است. سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه تأکید دارد که آمایش سرزمینی در جمهوری اسلامی باید به رفع محرومیت‌ها مخصوصاً در مناطق روستایی کشور منجر گردد (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۹۴). ارائه و معرفی الگوی حکومت عدل اسلامی به‌صورت مسالمت‌آمیز از طریق گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی، می‌تواند اهداف الهام بخشی انقلاب اسلامی را که یکی از مؤلفه‌های چشم‌انداز ۱۴۰۴ است تأمین کند (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

وقوع انقلاب اسلامی به احیای کارکردهای سیاسی دین در مخالفت با وضع موجود در نظام بین‌الملل و ارائه نظمی نوین و عادلانه برای آن انجامید. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران در جوهره خود، انقلابی فرهنگی است، دولت‌های بعد از انقلاب در چارچوب سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ و سایر برنامه‌های توسعه‌ای با تأکید بر عنصر مسائل اخلاقی و عدالت، تلاش کرده‌اند تا بر نقش فراگیر این اصول تأکید نمایند (رهبر، ۱۳۹۰: ۴۲۷-).

۴۲۸). اهمیت این موضوع تا جایی است که بیان می‌شود رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نیست. چنان‌که در بند هفتم سند چشم‌انداز اشاره شده ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری با جامعه اخلاقی است. این جامعه برای پیمودن شیوه و سبک زندگی سالم، نیازمند الگو و رفع چالش‌هاست.

مهم‌ترین هدف عدالت اجتماعی، جلوگیری از طرد شهروندان و انزوای بخش یا گروه‌هایی از افراد جامعه است. این در حالی است که در سال‌های اخیر، بخش مهمی از اقشار جامعه بیش از گذشته احساس نابرابری و تبعیض کرده‌اند (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۸۹). بنابراین عدالت اجتماعی از مسائل مهمی است که باید مورد پردازش قرار گیرد. چراکه عدالت با توسعه و توسعه با عدالت ارتباط دارد و سیاست دولت‌ها این است که تضاد بین این دو را به نفع عدالت اجتماعی اتخاذ کنند تا این‌که بتوانند از کند شدن نسبی رشد اقتصادی جلوگیری نمایند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۲). در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، مسئله مذکور در با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبه‌رو شده است، چراکه سیاست‌های اعمال‌شده در راستای عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف، بیشتر از این‌که پروسه‌ای و مبتنی بر برنامه‌ریزی مستمر و هدفمند باشد، حالت منقطع، پروژه‌ای و قائم به فرد پیدا بوده است. هر دولتی برحسب شرایط روز و با برداشت خاص خود از عدالت اجتماعی، آن را تعریف و اجرایی کرده است. رفع این مشکل، بازتعریف نوین از عدالت اجتماعی است. باوجود جایگاه عدالت اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ و تأکید بسیار بر آن، اما همچنان تعریفی دقیقی از این واژه صورت نگرفته است. بدون رشد اقتصادی امکان تحقق عدالت اجتماعی وجود ندارد. وظیفه دولت برای ساختن درآمدهای اقشار مختلف جامعه نیست، بلکه وظیفه دولت عرضه فرصت‌های برابر به کلیه آحاد اجتماعی است (فوزی و فیروزی، ۱۳۹۹: ۱۳۵-۱۳۹). بنابراین اصلاح ساختاری، اصلاح کارگزاری، قطع رانت و اصلاح نگرش گفتمانی از مهم‌ترین سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد که در طول سال‌های بعد از

انقلاب اسلامی از آن غفلت گردیده و همین مسئله موجب ناکامی‌هایی در تحقق اهداف چشم‌انداز توسعه شده و بسیاری از عناصر عدالت اجتماعی عملی نشده است.

۶. امنیت (سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه)

یکی از نشانه‌های نظام عادلانه، احساس امنیت است. هدف از ایجاد امنیت در نهادها و نقش آن در جامعه، ایجاد محیطی متعادل برای رشد و کمال است و همه دست‌اندرکاران مدیریت در این زمینه سهم مهمی دارند. مدیریت جامعه در زمینه ایجاد شرایط و بسترسازی امنیت سیاسی و اجتماعی، نقش ویژه‌ای دارد، نقشی که باید موردتوجه مسئولان و مدیران کشور قرار گیرد (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). امنیت به این معنا پیوند عمیقی با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای دارد (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۶). دستیابی موفقیت‌آمیز هر نظام سیاسی به اهداف و مقاصد خویش و پیمودن مسیر پیشرفت و توسعه در گرو توانایی‌هایی است که امکان پیشبرد اهداف ملی را در عرصه عمل، با کمترین مزاحمت و بیشترین مطلوبیت و بدون به خطر افتادن امنیت به سیاستمداران و مجریان حوزه سیاسی بدهد. برخورداری از این توانایی چه به‌مثابه یک هدف مستقل و چه به‌عنوان پیش‌شرط تحقق سایر اهداف، مطمع نظر تدوین‌کنندگان سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ بوده است. بر اساس بند سوم چشم‌انداز، ایران کشوری مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت است. تجربه ایران از دوران جنگ تحمیلی و نیز ساختارهای بین‌المللی و مسابقه تسلیحاتی موجود در خاورمیانه و همچنین تداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه، ایران را وادار به اتخاذ سیاست بازدارندگی در حوزه دفاعی کرده که این سیاست در سند چشم‌انداز تصریح شده است. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله به‌طور مستقیم به مسئله امنیت و قدرت بازدارندگی تأکید شده است. در این چارچوب، تلاش شده تا مسئله امنیت در صدر

سیاست‌های کشور قرار گیرد. هرکدام از این سیاست‌ها بر تقویت پول ملی، امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار بوده است.

محیط امن مقدمه تحولات اساسی و دگرگونی در ساختار نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. وجود فضای مبتنی بر امنیت، مقدم بر برنامه و کنش توسعه محور کشورها در راستای اهداف و اولویت‌های سند چشم‌انداز قرار دارد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴). در این زمینه نیز باوجود دستیابی به اهداف اساسی، ناکامی‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که تحقق سند چشم‌انداز را با تهدید و چالش‌ها و شکل‌گیری اندیشه‌های التقاطی و انحرافی ناشی از نفوذ و تأثیرپذیری آموزه‌ها و دکترین‌های مدرنیستی مواجه ساخته است. گسست میان نخبگان حوزه و دانشگاه در راستای تفاهم میان مفاهیم و نظریه‌های امنیتی از دیگر چالش‌ها در این زمینه بوده که موجب ناکامی در عرصه دستیابی به مؤلفه امنیت شده است. تهدیدها یا موانع محیطی همواره با توجه به درجه شدت آن‌ها، می‌توانند موجب تأخیر جدی در تحقق چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ باشند^۱. این وضعیت می‌تواند یکی از عوامل «کاهش سهم ایران از تولید و ثروت جهانی، کاهش رتبه اعتباری و افزایش رتبه ریسک سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران باشد» (معزی و وثوقی، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۸). مقابله با تهدیدات امنیتی و ثبات امنیتی کشور، صرفاً با اتکا به نیروی نظامی و قدرت نظامی امکان‌پذیر نیست، داشتن اقتصاد قوی، مقاوم و پایدار برای تحقق اهداف امنیت ملی کشور ضروری است. بنابراین امنیت ملی و اقتصاد مقاومتی رابطه تنگاتنگی با هم دارند و تحقق اهداف امنیت ملی بدون نظام اقتصاد مقاومتی ممکن نیست (عزیزی و حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۴۹). این مسئله مستلزم یک تحول عمیق فرهنگی است؛ تا

^۱ جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه بعد از انقلاب اسلامی از یکسو با مسائل امنیتی و تهدیدات متنوعی در داخل و خارج از کشور روبه‌رو بوده و از سوی دیگر همواره خود را ناگزیر از ادامه مسیر توسعه دیده است. البته نگاه‌ها به امنیت و توسعه در جمهوری اسلامی ایران متفاوت بوده و حداقل دو گفتمان امنیت ملی هویت‌گرا و توسعه‌گرا در میان نخبگان و دولت‌ها قابل مشاهده است که منجر به ایجاد دوگانگی و در برخی موارد تضاد در استراتژی‌ها نسبت به امنیت و توسعه شده است.

این تحول انجام نگیرد، اهداف بلندمدت سند چشم‌انداز به‌ویژه در حوزه کسب امنیت حاصل نخواهد شد.

۷. کارآمدی و کارایی نظام سیاسی

منظور از کارایی و کارآمدی، توانایی‌هایی است که دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح برگرفته از چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ از خود بروز داده است (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران موجود در این حکومت، تعاملی پویا دارند. بدین معنا که در کارآمدی و کارایی این نظام و رسیدن به اهداف منظور، ساختار و کارگزار چنان مستلزم هم هستند که تصور یکی بدون دیگری ممکن نیست. درواقع هر دو با حرکتی تعاملی است که می‌توانند به کارآمدی دست یابند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). از آنجاکه دولت نقش اول را در ایجاد زمینه و بسترسازی برای اجرایی کردن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بر عهده دارد و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را تنظیم و اجرا می‌کند، چگونگی اعتقاد دولت به محتوای متن سند و نیز تبدیل آن به برنامه‌های کمی، تأثیر زیادی در تحقق یا عدم تحقق اهداف چشم‌انداز دارد. میزان توانایی و کارآمدی دولت در به ثمر رساندن اهداف چشم‌انداز بسیار مهم است. چراکه ناکارآمدی می‌تواند موجب فاصله گرفتن و جدا شدن نخبگان و فرهیختگان جامعه از حاکمیت شود (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). کارآمدی در تحقق عدالت سیاسی، اهمیت آن را دوچندان کند (محمدی ضیا و آل غفور، ۱۳۹۹: ۳۱۵). به نظر می‌رسد که دستیابی به شاخص‌های کارآمدی و کارایی نظام سیاسی در طول سال‌های اخیر باوجود تفاوت دولت‌ها در جهت دستیابی به اهداف مدنظر در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ بوده، و کارآمدی نظام سیاسی را به دنبال داشته است. بااین‌حال، در این خصوص نیز چالش‌هایی وجود دارد.

یک نظام سیاسی، امری زمانمند و دارای مراحل است که در زمان‌های مختلف می‌تواند از امکانات و موانع و اهداف متفاوت برخوردار باشد. پرسش از کارآمدی نظام جمهوری

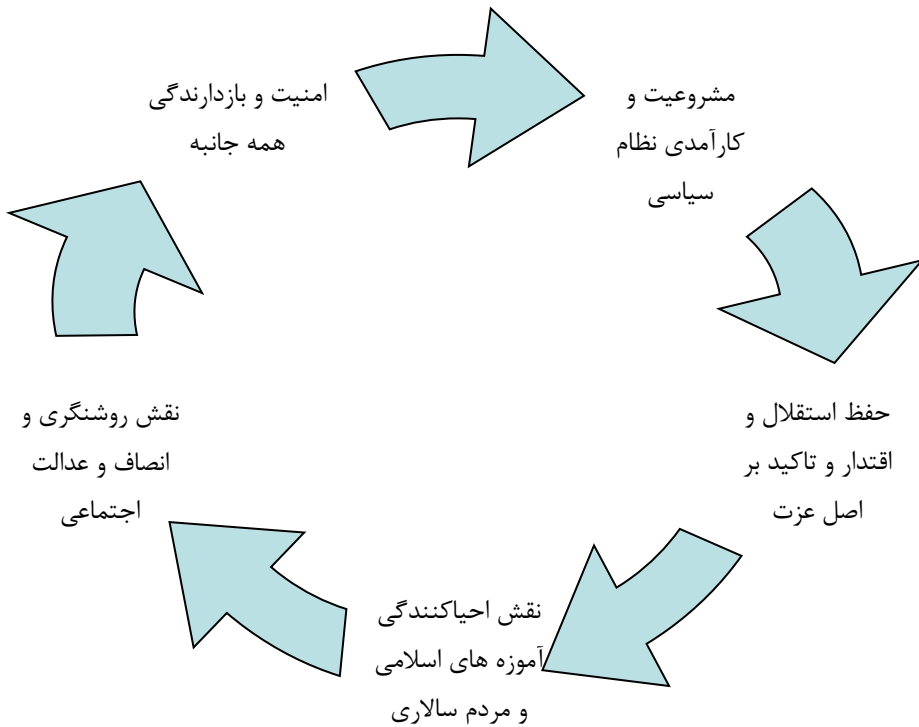
اسلامی ایران، از دغدغه‌ها و پرسش‌های مطرح در میان برخی نخبگان داخلی و خارجی است، اما اینک پس از گذشت بیش از چهار دهه از حاکمیت این نظام و پیدایش چالش‌ها و موانع کوچک و بزرگ و جریان‌های فکری دگراندیش در برابر آن، به‌ویژه در چند سال اخیر، به نظر می‌رسد این پرسش به جدی‌ترین و مهم‌ترین، پرسش نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده است. سند چشم‌انداز، اساس، چهار چوبه و استراتژی بلند برد، بلند گستر و بلندمدت بسیار راهگشایی برای نظام سیاسی ایران بوده که در صورت تبیین و ترسیم مجدد و تنظیم راهبردی آن، می‌تواند در ارتقای کارآمدی سیاسی، نقش خطیر و سرنوشت‌سازی ایفای نماید. برای آن‌که نظام سیاسی کارآمد باشد، باید بتواند نسبت به تقاضاهای رو به افزایش مردم پاسخگو باشد، و دست به اصلاحات لازم در نظام اداری بزند (عابدی و سلطانی، ۱۳۹۹: ۶۳۱). ایراد ساختاری و زیر ساختاری در کارآمدی و کارایی نظام سیاسی بدین معنا نیست که دولت به کل در این زمینه، چالش‌هایی را داشته و به موفقیت دست پیدا نکرده است. بلکه باید گفت که در عین وجود چالش‌ها و ناکامی‌ها، شاهد کامیابی‌هایی می‌باشیم که ثبات نظام سیاسی را به دنبال داشته است.

۸. استقلال و اقتدار (اصول مبنایی عزّت، حکمت و مصلحت)

یکی از اصول مدنظر در چشم‌انداز نیز، استقلال و اقتدار (اصول مبنایی عزّت، حکمت و مصلحت) است. اصولی که بیشتر در عرصه‌های سیاست خارجی اهمیت و نمود پیدا می‌کنند. رویکرد کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «آرمان‌گرایی و واقع‌نگری» بر پایه سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» بوده است. مطالبه عدالت، نفی سلطه و مقابله با زیاده‌طلبی‌های قدرت‌های مستکبر، احیای عزت مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان برای رهایی از سیطره و ظلم مستکبران از جمله اهداف و آرمان‌ها در سیاست خارجی بوده است. هندسه عزت، حکمت و مصلحت از مهم‌ترین اصول بنیادین اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود و این هندسه اشاره به مصلحت‌اندیشی برای جامعه،

تدبیر و اندیشه راهبردی و نیز اقتدار همه‌جانبه دارد. مبانی ملی سیاست خارجی و تلائم آن با مبانی اسلامی سیاست خارجی از ضرورت برخوردار است (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴: ۶). در این چارچوب، دولت‌های مختلف تلاش نموده‌اند تا به دنبال تعامل سازنده و تأمین منافع ملی کشور باشند.

اصل «عزت» را می‌توان در ادبیات سیاسی بر مبنای منافع و اهداف ملی جست‌وجو کرد، اما دو اصل دیگر (حکمت و مصلحت) از رسایی لازم در تبیین تعامل بین‌المللی برخوردار نیستند. همچنین از منظر ملاحظات ژئوپلیتیکی (کنش، اندرکنش، کشش و کوشش بازیگران و قدرت‌های سیاسی)، گزاره یاد شده می‌تواند در برخی موارد با ویژگی چهارم (الهام‌بخش در جهان اسلام) سند چشم‌انداز در تضاد و تعارض قرار گیرد و واکنش تهاجمی و مقابله‌ای کشورهای غیر اسلامی و حتی اسلامی (حکومت‌های سنی مذهب) را در پی داشته باشد (ذکی و فرجی، ۱۳۹۸: ۲۵۴). از همین روست که با گذشت بیش از ۱۵ سال از اجرایی شدن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، جامعه ایرانی در ابعاد مختلف توسعه با پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای همراه نبوده است. یکی از ابعاد انقلاب اسلامی ایران و به‌قول معروف عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، همین مسئله استقلال و اقتدار و تأکید بر اصول مبنایی عزت، حکمت و مصلحت است که در حوزه‌های دچار چالش شده‌اند و بسیاری از دشمنان انقلاب، در پی آن‌اند که این اصول را از انقلاب اسلامی بگیرند. موضوع بااهمیتی که در موفقیت سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ نسبت به سایر برنامه‌های توسعه‌ای وجود دارد، اعتماد مردم و آگاهی آنان نسبت به سیاست‌های کلی نظام است. در ادامه، خلاصه نمودار مرتبط با کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی در دستیابی به اهداف سیاسی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ گزارش داده شده است:



نمودار ۱: کامیابی ها و ناکامی های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی با توجه به سند

چشم انداز ۱۴۰۴

منبع: یافته های پژوهش

۹. راه کارهای تحقق اهداف سیاسی بازتولید شده در سند چشم انداز ۲۰

ساله

با توجه به وضعیت ایران بعد از انقلاب اسلامی و نقش دولت در برنامه های توسعه ای کشور، باید اذعان نمود که هر چند که نقش درآمدهای نفتی در سال های اخیر کاهش یافته، اما ملاحظات سیاسی که به صورت متناوب صورت می گیرد، به گسترش ویژگی دولت توزیعی منجر شده است. ازاین رو، کاستن از نقش دولت در تمامی

جنبه‌های سیاست و کاستن از نقش درآمدهای نفتی در عین توجه به سرمایه‌های داخلی، می‌تواند به کاهش ویژگی دولت توزیعی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز منجر شود. در این راستا، نهادهای مالیات گام مهمی برای عبور از رانت‌رسم است. گام و راهکار برون‌رفت دیگر در این زمینه، کاهش تصدی‌گری دولت در امور غیر حاکمیتی است. واگذاری امور در بسیاری از حوزه‌ها به مردم، می‌تواند موجب رونق اقتصادی و کارایی و کارآمدی نظام سیاسی گردد.

تداوم وضعیت تأکید بر مردم‌سالاری دینی و حفظ مردم در صحنه، بدون شک یکی از ضرورت‌های پیش روی آینده انقلاب اسلامی است. همه تصمیمات و ریل‌گذاری‌ها در کشور با این معیار باید سنجیده شود و هر تفسیر و نگرش و اقدامی برای تضعیف جمهوریت نظام و کاستن از نقش مردم در مدیریت کشور، بدون شک ایجاد انحراف در مسیر صحیح انقلاب خواهد بود. به همین خاطر نظام اسلامی در راستای پیشرفت خود نیازمند تقویت نهادهای مردم‌سالار و بسترسازی برای افزایش مشارکت مردم در مدیریت کشور و در یک کلام تقویت و نهادهای ساختاری حداکثری گفتمان مردم‌سالاری دینی است. هم دولت و هم جامعه، مکلف به اجرای چارچوب و مبانی ارزشی ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ هستند و مردم‌سالاری دینی در پرتو آن، قابل درک است.

در چارچوب عدالت‌خواهی منبعث از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ضرورت دارد که بخش‌های خصوصی سهم بیشتری را در تولید ناخالص داخلی بر عهده گیرند. در این راستا، دولت باید برای تأمین منافع بخش خصوصی سیاست‌هایی را در راستای ایجاد محیط مناسب کسب‌وکار به اجرا گذارد و انگیزه‌بخش خصوصی را برای حضور فعال در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی تقویت نماید. برقراری عدالت اجتماعی موجب زاینده‌گی باورهای روشن اجتماعی می‌شود که در آن افراد، در ارتباطات خود احساس شفافیت، مطلوبیت، آرمان‌گرایی، امیدواری و حرکت کرده و می‌توانند خوب و خلاقانه، کار کنند. اگر

بسترهای مناسب توزیع فرصت‌ها در خانواده رخ دهد، مشکلات به وجود نخواهد آمد و می‌تواند موجب گشایش بسترها و شاه‌راه‌های تحقق عدالت اجتماعی در جامعه شود. یکی از راه‌های تحقق نظم و امنیت در جامعه، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. نظر به این‌که ایران بر مبنای سند چشم‌انداز در مسیر توسعه گام برداشته و نوید جامعه‌ای امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه را در میان کشورهای منطقه در افق ۱۴۰۴ شمسی می‌دهد، لذا با توجه به تهدیدات بالقوه موجود و نیز حرکت به سمت توسعه‌یافتگی و الزامات خاص امنیتی و سرمایه‌گذاری آن، به نظر می‌رسد با در اختیار داشتن پتانسیل‌های غنی موجود در راستای امنیت نرم، ایران می‌تواند با اتخاذ راهبردی مناسب و تهدیدات امنیتی پیشرو فائق آید و اهداف توسعه محور سند چشم‌انداز را تحقق بخشد.

برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در زمینه کارایی و کارآمدی دولت، سرمایه‌گذاری جهت تحول در فرهنگ سیاسی ضروری می‌نماید و این خود ایجاب می‌کند که بر کیفیت حکمرانی توجه بیشتری گردد. چراکه مانعی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز است و برای برون‌رفت از این وضعیت، باید عزم جدی و ملی در کشور برای شناسایی نقاط ضعف شاخص‌های حکمرانی خوب صورت گیرد تا با آسیب‌شناسی این نقاط ضعف، گام‌به‌گام به سمت حکمرانی خوب حرکت شود. چراکه عدم کارآمدی مناسب، یکی از علل عدم توسعه‌یافتگی ایران می‌باشد.

ایران با داشتن موقعیت‌های مختلف می‌تواند به اهداف مدون در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ دست یابد؛ مشروط بر این‌که برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و همچنین میان‌مدت و بلندمدت کشور با مبنای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و درمجموع جنبه‌های سیاسی سند چشم‌انداز هماهنگ باشد و در تهیه برنامه‌های اجرایی، پیوسته به اصول عزت، حکمت، مصلحت و اقتدار و موفقیت در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی توجه کامل داشته باشد. همه برنامه ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه‌کسانی که در

دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این راهکارها را مورد توجه قرار دهند تا مؤلفه‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه سیاسی به نحو مطلوبی اجرا شده و اهداف مدنظر تحقق یابد. در مجموع، دستیابی به جایگاه تعیین‌شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله به‌ویژه از منظر اهداف سیاسی، مستلزم انجام پژوهش‌های عملی، تفکر راهبردی و تدوین مدل مطلوب است. راه‌حل پیشنهادی برای برون‌رفت از این ناکامی‌ها، یک هماهنگی پیشینی شده در دولت‌های حاکم در دوره‌های مختلف با سایر دستگاه‌های مسئول به‌ویژه قوه مقننه و قوه قضائیه است.

نتیجه گیری

طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی سابقه طولانی دارد، و اقدام مهمی در جهت یکدست‌سازی و هماهنگی نمودن کلیه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشورهاست. ایران نیز در دوران معاصر برنامه‌های توسعه را مدنظر داشته است. درعین حال، سند چشم‌انداز بیست سال در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید که اهداف سیاسی، اقتصادی را به دنبال داشت. سند فوق، کامیابی‌ها و ناکامی‌های داشته است. در این پژوهش، کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف سیاسی مدنظر در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مورد بحث و واکاوی قرار گرفت. متن چشم‌انداز دارای ماهیتی کلی و اجمالی است و بسیاری از مطالب آن حاوی حرف جدیدی نیست و از آغاز انقلاب تاکنون، این آرمان‌ها حتی به عنوان واقعیات انقلاب اسلامی و نه آنچه قرار است محقق شود، مورد تأکید دولتمردان نظام اسلامی بوده است، البته در این بین، در نظر گرفتن تمامی آرمان‌ها و اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای در قالب یک سند و توسعه همه‌جانبه در منطقه می‌تواند حرف جدیدی باشد. در این چارچوب، چندین مؤلفه سیاسی از سند فوق استخراج گردید و به تبیین هر یک از آن‌ها اقدام شد. چراکه به طور مستقیم به توسعه سیاسی و شاخص‌های دقیق تبیینی آن و راه کارهای تحقق آن اشاره نشده است. با بررسی هر یک از مؤلفه‌ها و بیان ناکامی‌ها و کامیابی‌های آن تلاش شد تا مسیر دستیابی به اهداف توسعه‌ای سند چشم‌انداز روشن گردد. مشخص شد که در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی به‌ویژه بعد از تدوین سند چشم‌انداز، کامیابی‌هایی در زمینه مؤلفه‌های تأکید بر مردم‌سالاری دینی و آزادی‌های مشروع؛ عدالت اجتماعی (حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها)؛ امنیت (سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه)؛ کارآمدی و کارایی نظام سیاسی؛ و استقلال و اقتدار (اصول مبنایی عزت، حکمت و مصلحت) حاصل شده که کارآمدی و ثبات نظام سیاسی را به دنبال داشته است. با این حال، به نظر می‌رسد که در مؤلفه‌های فوق چالش‌هایی وجود دارد که ناکامی‌هایی را به دنبال داشته و

در پاره‌ای از موارد نارضایتی مردم و در نتیجه، مانعی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بوده‌اند. با توجه به آنچه بیان گردید و در راستای تحقق آرمان‌های سیاسی و توسعه‌ای سند چشم‌انداز بیست‌ساله، به گونه‌ای انکارناپذیر تبیین راهبردهای دقیق توسعه کشور در تمام زمینه‌ها به‌ویژه عرصه سیاسی، امری ضروری است.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۷). ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی. ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیرشانه چی، چاپ چهاردهم، تهران: نشر مرکز.
- آذرشب، محمدتقی. (۱۳۹۷). ارزیابی توسعه آتی کشورهای منطقه در افق ۱۴۰۴ و اثرات آن بر ایران. مطالعات آسیای جنوب غربی، ۱ (۳): ۱۰۱-۷۹.
- آل یاسین، احمد. (۱۳۹۲). تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران. تهران: نشر سمر.
- اخوان کاظمی، مسعود؛ نیکونهاد، ایوب. (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ سناریویی مطلوب برای آینده. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۳ (۱۴): ۴۰-۱۱.
- افتخاری، اصغر؛ نادری، باب؛ اناری، مهدی؛ میسمی، حسین. (۱۳۹۰). بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه. راهبرد، ۲۰ (۶۰): ۵۳-۸۰.
- امامی، صادق. (۱۳۹۲). بایسته‌های عدالت اجتماعی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله. دو هفته نامه تراز، ۱۳ (۱): ۱۰-۱.
- ایزدی، رجب؛ حیدرپور، مرتضی. (۱۳۹۴). برنامه‌های پنج‌گانه توسعه در دوران پهلوی و انقلاب اسلامی ایران. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۴ (۲): ۲۷-۱.
- بابایی، مرتضی؛ باباپور، محمدمهدی؛ قاسمی، علی. (۱۳۹۰). هویت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران: فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵ (۵۲): ۱۳۷-۱۵۸.
- بدیع، برتران. (۱۳۷۵). توسعه سیاسی. ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۵ الف). موانع توسعه سیاسی در ایران. چاپ دهم، تهران: انتشارات گام نو.

بشیریه، حسین. (۱۳۹۵ ب). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی). چاپ سیزدهم، تهران: نشر نگاه معاصر.

پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۶). عدالت منطقه‌ای در چشم‌انداز ۱۴۰۴. مطالعات راهبردی، ۵ (۷۸): ۱۹۴-۱۸۷.

تصدیقی، محمدعلی؛ تصدیقی، فروغ. (۱۳۸۹). بررسی مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۵ (۹): ۱۷۰-۱۳۵.

جعفری، علی اکبر؛ جواد قربی، سید محمد. (۱۳۹۵). مولفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۴ (۹): ۹۴-۷۵.

حشمت زاده، محمدباقر؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ طالبی، محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران. جستارهای سیاسی معاصر، ۸ (۱): ۲۴-۱.

دارابی، علی. (۱۳۹۱). مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی، ۵ (۱۸): ۸۹-۶۱.

دهشیری، محمدرضا؛ غفوری، مجتبی. (۱۳۹۴). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳ (۱۲): ۲۲-۱.

ذکی، یاشار؛ فرجی، محمدرضا. (۱۳۹۸). بنیان‌های ژئوپلیتیک پیشرفت در برنامه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران. سیاست متعالیه، ۷ (۲۵): ۲۵۶-۲۳۵.

ربیع زاده، محمد؛ خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۹). اثربخشی توسعه سیاسی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مطابق با رویکرد سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ ایران. راهبرد، ۲۹ (۹۶): ۲۸-۵.

ربیع زاده، محمد؛ خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۹). اثربخشی توسعه سیاسی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مطابق با رویکرد سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ ایران. راهبرد، ۲۹ (۳): ۵-۲۸.

ربیعی، کامران. (۱۳۹۹). دولت توسعه‌گرا و چالش‌های توسعه اقتصادی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۸). جامعه‌شناسی تاریخی، ۱۲ (۱): ۱۴۳-۱۰۵.

رضایی، جعفر؛ حسینی، علی؛ امام‌جمعه زاده، سیدجواد؛ آقاحسینی، علیرضا. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی الگوی عدالت در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه مطهری و امام خمینی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷ (۲۷): ۹۵-۶۷.

رهبر، عباسعلی. (۱۳۹۰). ابعاد معنوی و تمدنی انقلاب اسلامی. به کوشش جلال درخشه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۱). اقتصاد سیاسی توسعه. تهران: نشر نگاه.

ساعی، احمد. (۱۳۸۸). مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان سوم. تهران: انتشارات سمت.

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۲). دگرگشت شخصیت ایرانی؛ سنگ‌بنای توسعه کشور. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۵ (۱۱): ۲۱-۱۲.

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۶). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مطالعات استراتژیک.

شفیعی، سعیده؛ صبوری دیلمی، محمدحسن. (۱۳۸۸). بررسی شیوه‌های مبارزه با پدیده پول شویی با تأکید بر راهکارهای مالیاتی. پژوهشنامه مالیات، ۱۷ (۵): ۱۶۹-۱۳۷.

عابدی، محمد؛ سلطانی، لقمان. (۱۳۹۹). رابطه نظام اداری و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (با بهره‌گیری از الگوی نظری جاگورایب). سیاست، ۵۰ (۲): ۶۲۹-۶۴۹.

عالم، عبدالرحمان. (۱۳۹۵). بنیادهای علم سیاست. چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی.

عرفانی، سهراب؛ مبینی دهکردی، علی؛ افتخاری، اصغر؛ مرادیان، محسن؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۴۰۱). الزامات تامین امنیت در افق سند چشم انداز ۱۴۰۴. امنیت ملی، ۱۲ (۴۳): ۷-۳۲.

عزیزی، محسن؛ حسن‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۹ (۳۳): ۵۹-۳۹. عظیمی، حسین. (۱۳۷۸). ایران امروز در آینده مباحث توسعه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

علایی، حسین. (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۵ (۵): ۱۴۷-۱۱۹. عیوضی، محمدرحیم؛ منصورزاده، محمدباقر. (۱۳۹۰). تأثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات روابط بین‌الملل، ۴ (۱۵): ۹۰-۶۳.

غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۹۵). اقتصاد و دولت در ایران: پژوهی درباره ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران. تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران. فوزی، یحیی؛ فیروزی، آیت‌اله. (۱۳۹۹). چالش‌ها و راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۱ (۲): ۱۴۸-۱۱۷. قاسمی، فرج‌اله. (۱۳۸۹). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی (ره). مطالعات انقلاب اسلامی، ۷ (۲۳): ۱۷۷-۱۵۳. کتابی، امیرعلی؛ سبزی، داود؛ شیخ‌محمدی، علی‌رضا. (۱۳۹۷). چگونگی تحقق گفتمان مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر توسعه سیاسی ایران. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷ (۲۵): ۱۱۹-۹۷.

گروسی، سعیده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت. دانش نظامی، ۳۳ (۵): ۲۶-۳۹.

- محمدی ضیا، علی؛ آل غفور، محمدتقی. (۱۳۹۹). ارزیابی کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق عدالت سیاسی با تأکید بر مناصب سیاسی. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۷(۱۵): ۳۲۰-۲۹۷.
- مصلی نژاد، عباس؛ محمدزاده، اصغر. (۱۳۹۵). برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)؛ زمینه‌ها، اهداف، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها. راهبرد، ۲۵(۷۹): ۱۷۶-۱۵۷.
- معزی، علی؛ وثوقی، سعید. (۱۳۹۷). نسبت «امنیت» و «توسعه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست جهانی، ۷(۲): ۵۴-۲۷.
- معینی پور، مسعود. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی. مشرق موعود، ۳(۱۲): ۱۰۶-۷۹.
- موثقی، احمد. (۱۳۹۱). نوسازی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات میزان.
- موسوی، سیدصدرالدین؛ قربی، سید محمدجواد. (۱۳۹۲). الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴. قدرت نرم، ۳(۹): ۱۳۳-۱۱۳.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز. تهران: نقش و نگار.
- میسایی، قاسم؛ دین‌پرست، فائز؛ تقی پور، عباس. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸(۲۸): ۱۸۴-۱۵۵.
- نورث، داگلاس. (۱۳۹۷). خشونت و نظم‌های اجتماعی: چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت‌شده. ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: انتشارات روزنه.
- نیلی، مسعود. (۱۳۸۷). دولت و رشد اقتصادی در ایران. تهران: نشر نی.
- واعظی، حسن. (۱۳۹۳). کامیابی‌ها و ناکامی‌های توسعه در ایران: نقش دولت‌های پنجم تا یازدهم در توسعه سیاسی؛ اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی کشور سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲. تهران: شرکت نشر کتاب هرمس.

هوشمند، داریوش. (۱۳۹۸). موانع تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی. تهران: انتشارات هرمس.